

# هنرمقرنس‌سازی در آثار معماری ایران

جمال انصاری

هنرهای اصیل و سنتی ایران و ایرانیان، این سینه اسلامی و ملت‌شیفته‌ی هنر، پیشینه‌ای بس ژرف و شگرف دارد، و توانسته با آمیزش و برقراری رابطه‌ای هنرآفرین‌تر با دوره اسلامی در میان معاصران خود در دنیای باستان نقش ارزنده‌ای را بازی کند. و بی‌شک این هنرها و هم‌زمانانش موجب تأثیرگذاری بر یکدیگر نیز گردیده‌اند و جای دارد باز بگوئیم که این تأثیرها در هنرهای مختلف دوره اسلامی نیز با مهارت و زیبایی ویژه‌ای نمایان شده است. ما در این نوشته از دریای بیکران هنر ایرانی ورقی را با نام هنرمقرنس‌سازی مورد گفتگو و بررسی قرار می‌دهیم.

عمده‌ترین عنصر تزئینی که خمیرمایه این گفتار را شامل می‌شود، معرفی نقش موتیف تزئینی مقرنس است که در معماری باستان و نیز معماری سنتی و اسلامی ایران، از جایگاه والایی برخوردار است. این عنصر با پیشینه تاریخی و هنری‌اش، می‌تواند دارای ابعاد گسترده‌ای در روند تکاملی هنر ایران زمین باشد، و در نهایت این عنصر تزئینی در نوع خود نمایشی از هنر استادکاران فن بشمار می‌آید. برای معرفی و شناخت مقرنس، نیاز

است این نوشته را در بخش‌های مختلفی که در زیر خواهد آمد دنبال کنیم و به ریشه‌یابی واژه مقرنس و اینکه چرا این هنرمقرنس نام گرفته‌اند بپردازیم. سپس ضمن تشریح چگونگی و ورود این عنصر تزئینی در هنر معماری در دوره‌های قبل و بعد از اسلام، به ارائه نشانه‌هایی از این نقش در آثار دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی و گسترش آن در آغاز دوره اسلامی و آنگاه دورانهای هنری قرن پنجم و ششم هجری و بعد از آن خواهیم پرداخت.

## وجه تسمیه مقرنس

اینکه چرا و چگونه هنری با این نام در چهارچوب هنرهای سنتی ایران جایی ارزنده را کسب می‌کند و بدین نام از دیدگاه‌های مختلف تجلی می‌یابد، خود دارای شرح و تفسیرهای مختلفی است که فرهنگنامه‌های ایرانی واژه‌شناسان آشنا و بیگانه در کتابهای خود به آن اشاره کرده‌اند. اینک برای ریشه‌یابی در واژه و وجه تسمیه مقرنس لازم است سروری‌گذرا بر لغت‌نامه‌ها و دیگر نوشته‌ها داشته و به وجوه مختلف نامگذاری این عنصر تزئینی بپردازیم تا بتوانیم بطور علمی‌تر بحث خود را دنبال نماییم.

— «قرن: بمعنی چیز فرو رفته است، و هرگاه ظرفی فلزی و مانند آن بر اثر برخورد با جایی فرورفتگی پیدا کند می‌گویند قرشده است.»<sup>۱</sup>

— «قرنیز: (ع. قرناس) جدولی که از آجر یا سیمان در جهت خارجی ایوان بشکل پیش‌آمدگی باریک بالای در و پنجره مانند حاشیه یا سایبان سازند.»<sup>۲</sup>

— «مُقرنس: ۱- آنچه به شکل نردبان و پله پله ساخته شده. ۲- بنای بلند مدور و ایوان آراسته و مزین با صورتها و نقوش که بر آن با نردبان پایه روند.

۳- قسمی زینت که در اطافها و ایوانها بشکل‌های گوناگون گچ‌بری کنند، کنگره‌دار، قرنیزدار. ۴- هر چیز رنگارنگ، قسمی عمامه و کلاه.»<sup>۳</sup>

— «مُقرنس به سبب مهمله بر هیئت نردبان ساخته و باز در کمریز نشانده و عمارتی که آنرا بصورت قرناس ساخته باشند و مراد از مقرنس عمارت

۱- Motif واژه فرانسه با تلفظ موتیف یا

موتیو که همان عنصر تزئینی است.

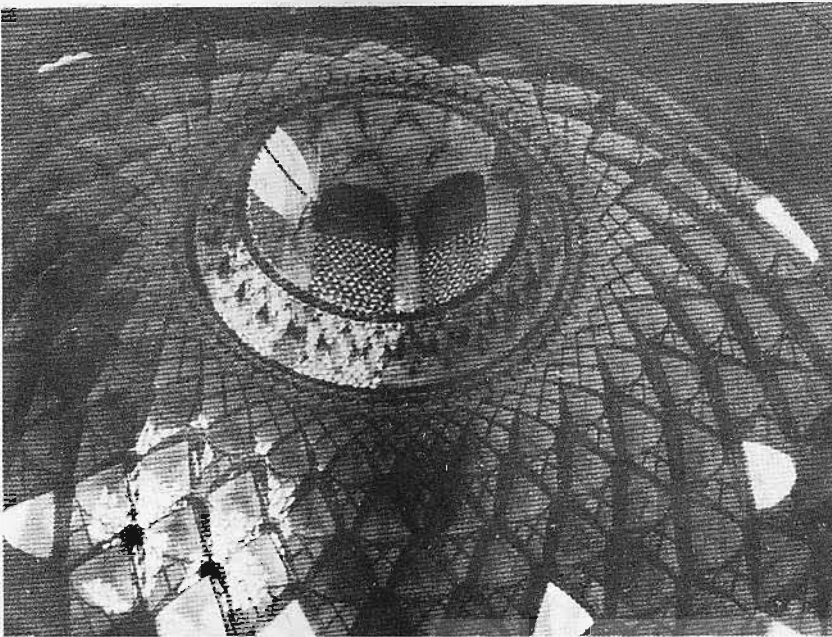
۲- «فرهنگ لغات عایانه» تألیف محمد

علی جمالزاده.

۳- فرهنگ معین.

۴- فرهنگ معین.

عکس شماره ۱ - قطاری از مقرنس که سرتاسر بخش داخلی گنبد را پوشانده است.



چهارم، یک هشتم و یا یک شانزدهم گنبد را در برگیرد، یعنی اگر بر روی یک چهار طاقی، گنبدی ایجاد شود، فرم مقرنس نیز بسته به بالا رفتن گوشه‌های زیر گنبد تغییر می‌یابد. برای نمونه اگر یک بنای چهار طاقی را در نظر بگیریم که دارای گنبدی ساده باشد، تنها در چهار گوشه زیر آن چهار واحد مقرنس خواهد بود. اما اگر چهار ضلع به هشت ضلع و هشت به شانزده و در نهایت قسمت زیرین گنبد به دایره تبدیل شود، بخاطر آنکه مقرنس‌ها بسته به زیاد شدن اضلاع نیز وسعت می‌یابند، در هر مرحله به گونه‌ای که در بالا گفته شد یک

۵- فرهنگ آندراج.

۶- مقاله «مقرنس تزئینی در آثار اسلامی

ایران» عباس زمانی - مجله هنر و مردم شماره ۱۰۳ و ۱۰۲.

۷- گوشواره یا گوشواره از عناصر و

موتیف‌های تزئینی دیگری است که در رابطه با ساخت و پرداخت مقرنس و نیز گجبری گوشه‌های زیر گنبد مورد استفاده قرار می‌گیرد و خود دارای بحث مفصل دیگری است. (نگارنده)

این قندیلها توجیهی بر نام مقرنس است که به احتمال زیاد هنرمندان نخستین این فن از همان قندیلها برداشتی هنرمندانه کرده، عیناً آنها در سطوح خارجی و داخلی بناها بصورت عنصری تزئینی با استفاده از سیمان، آجر و یا گچ بکار گرفته‌اند. حال با آوردن تعریفی علمی تر سعی در تکمیل این گفتار می‌کنیم:

«استلاکتیت .... واژه‌ای است فرانسوی و عبارت از ترکیبات آهکی آویزان در سقف غارهاست. ولی استلاکتیت در معماری، نوعی موتیف تزئینی است که مشابه آن «مقرنس» می‌باشد و آن عبارت از جفت وجور شدن و روی هم قرار گرفتن فرم‌های منشوری برجسته و گود بطور متضاد است. استلاکتیت از گوشواره<sup>۷</sup> ناشی شده است.

### چگونگی شکل‌گیری مقرنس در معماری

مقرنس معمولاً در سطوح فرو رفته گوشه‌های زیر سقف ایجاد می‌شود. یک واحد مقرنس می‌تواند یک

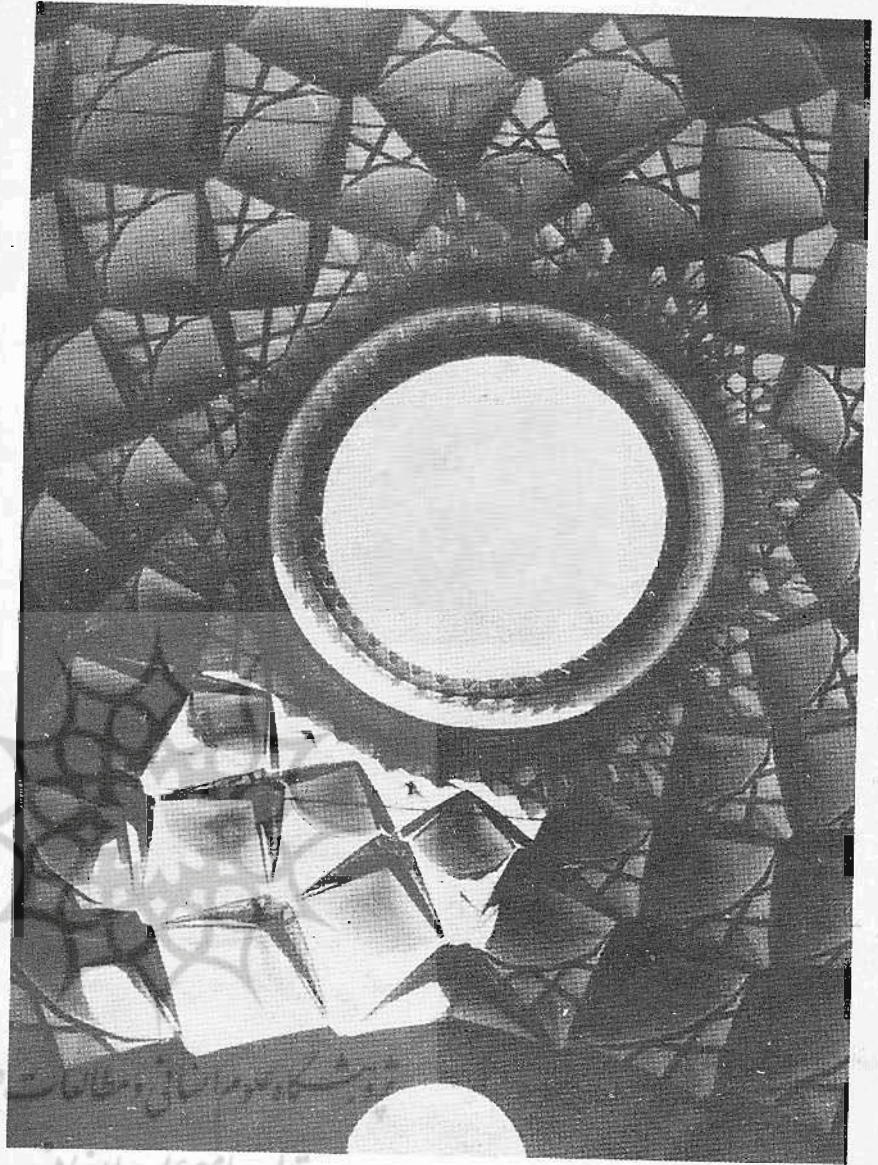
بلند و بنای عالی مدور و بنفش و بمعنی بارط غلط است ولی بمعنی کلاه و رنگ به رنگ هم آمده است.<sup>۵</sup>

— «کلمه مقرنس با قرو قرناس و قرنیس (قرنس) و قرنیز خویشاوند است و می‌توانیم بگوئیم چیزی قرنیس دار شده است، و این معنی با شکل عنصر تزئینی مورد نظر مآکسه از تعدادی کم و بیش سطوح برآمده و فرو رفته صورت می‌گیرد موافق است.»<sup>۶</sup>

پس، از تعریفهای بالا چنین بر می‌آید که مقرنس از نظر ریشه لغوی از کلماتی نظیر قرو، قرناس، قرنس و قرنیز (قرنیس) گرفته شده است.

اما بر اساس تجاربی که در اثر مشاهده، نسبت به فرم‌های طبیعی قندیل - های یخی آویزان از لبه بامها و سایبان پنجره‌ها و قندیلهای آهکی در درون غارها، مانند غار علی‌صدر در همدان و غار چلندر در نزدیکی نوشهر و غار هوتو و کمر بند در مازندران داریم، در می‌یابیم که پیش - آمدگی و پس رفتگی‌های طبیعی در روی

عکس شماره ۲- سقفی در بازار آکاشان که نمونه‌ای از نوع مقرنس‌های روی هم قرار گرفته را نشان می‌دهد.



واحد مقرنس افزوده خواهد شد و در مرحله ایجاد دایره نیز بخاطر وسعت بیش از اندازه، قطاری از مقرنس سرتاسر بخش داخلی گنبد را می‌پوشاند که بصورت عمودی یا افقی در تزئینات گنبد شکل می‌نماید. (عکس شماره ۱)

### انواع مقرنس از لحاظ شکل و فرم

مقرنس‌ها بنا بر فرم‌هایی که بخود می‌گیرند به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

الف- مقرنس‌های جلو آمده:

مقرنس‌هایی را گویند که مصالح آن از خود بنا باشد و در نهایت سادگی، بدون هیچگونه پیرایه‌ای بصورت آجری یا گچی، انتهای سطوح خارجی نمای بیرون ساختمان را آرایش دهند.

ب- مقرنس‌های روی هم قرار گرفته: گذشته از مصالح بکار رفته اصلی بنا، مانند گچ و آجر و سنگ، در سطوح داخل و خارج بنا بکار بیایند و غالباً در چند ردیف دو تا پنج یا بیشتر روی هم قرار داشته باشند. (عکسهای شماره ۲ و ۳)

ج- مقرنس‌های معلق: شبیه همان منشورهای آهکی آویزان در غارهاست که اصطلاحاً استلاکیت نامیده می‌شوند. این نوع مقرنس‌ها معمولاً از طریق چسباندن یا متصل کردن مصالحی از قبیل گچ، سفال و کاشی به سطوح فرو رفته داخل بناها تشکیل می‌شوند و بیشتر آویزان به نظری رسند.

د- مقرنس‌های لانه زنبوری: همچنانکه از نام این دسته از مقرنس‌ها پیداست، شبیه لانه زنبور و در مجموع،

کندوهای کوچک بر روی هم می‌باشند. این دسته از نظر شکل ظاهری شبیه مقرنس های معلق هستند. در ایران از این نوع مقرنس‌ها کمتر ساخته شده است و تنها نمونه‌ای که دارای این نوع مقرنس در ایران می‌باشد، مقبره شیخ عبدالصمد اصفهانی واقع در نظنرکاشان است که در سال ۷۰۷ هجری ساخته شده است.

**پیشینه هنر مقرنس سازی در قبل از اسلام**

کم و بیش انواع مختلف مقرنس، بخصوص نمونه‌های ساده آن، پیش از ظهور اسلام در ایران بکار می‌رفته است و اغلب افزون بر جنبه‌های ساختمانی جنبه تزئینی نیز داشته است و شاید بتوان نخستین نمونه‌هایی را که از دوران ماد بر جای مانده است نام برد که یکی از آنها، صخره‌ای در نزدیکی سرپل ذهاب است که بنام دخمه داود یا دکان داود نامیده می‌شود که مقرنس از مایه اصلی بنا گرفته شده و از نوع مقرنس‌های جلو آمده است. (عکس شماره ۴) و دومی مقابر صخره‌ای سکاوند واقع در جنوب بیستون است که بصورت سه جلوآمدگی در بالا و طرفین بصورت قابی سه نبش بد چشم می‌آید. این نوع مقرنس نیز جزو گروه مقرنس‌های جلو آمده است. سومی هم مقبره‌ای است صخره‌یی مشهور به داود دختر در فارس که مشابه سکاوند است و در زیر قرینز، برجستگی ظریفی دیده می‌شود.

**نقش مقرنس، ۵۵۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد**

از این دوران شواهد ارزنده‌ای از بکارگیری مقرنس در معماری و نقش بر-جسته‌های سنگی متداول این عهد فراوان بجای مانده است. مقرنس در این زمان تحول و تنوع خارق‌العاده‌ای یافت و اشکال زیبایی را پدید آورد. بیشترین نوع

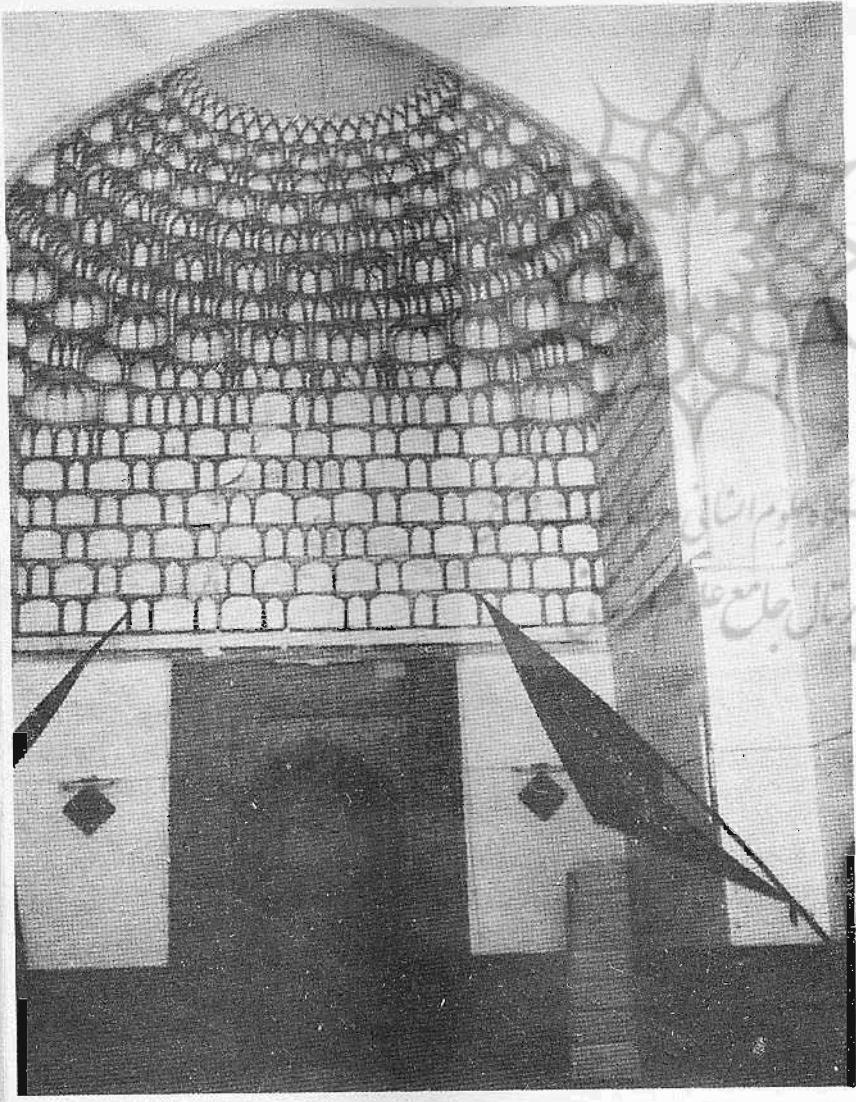
**نقش مقرنس در سالهای ۲۵۰ قبل از**

**میلاد تا ۲۲۴ میلادی**

در دوران هخامنشی هنر مقرنس تحول و دگرگونی چشم‌گیری یافت و ادامه آن با طرحهای ارزنده‌تری در دوران اشکانی ظاهر گشت تا جائیکه می‌توان شاهد نقش-آفرینی بیشتر مقرنس در آثار معماری این زمان بود. از بناهای معروف این عصر کاخ آشور در عراق را می‌توان نام برد.

مقرنس را می‌توان در مجموعه نقش بر-جسته‌ها و بناهای پاسارگاد و تخت‌جمشید دید و از معروفترین بناهای این دوران که دارای تزئینات مقرنس می‌باشند عبارتند از آتشگاه پاسارگاد، کعبه زرتشت در نقش رستم، مقبره داریوش، مقبره کوروش، تالار صدستون که هر کدام از این بناها دارای تزئینات جالبی از مقرنس کاری می‌باشند.<sup>۸</sup>

عکس شماره ۳- محراب مسجد جامع کاشمر که با مقرنس‌های روی هم قرار گرفته تزئین شده است.



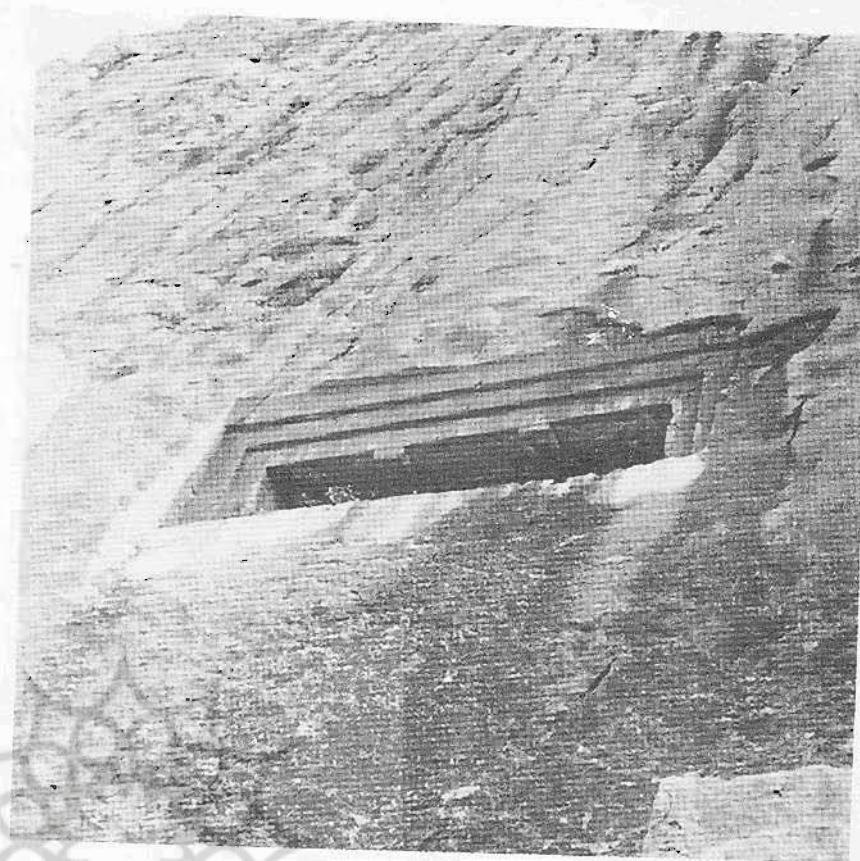
تکاملی خویش را چه از نظر کثرت استعمال و چه از نظر افزونی مواد پیمود و این موتیف تزئینی با آغاز ساختمان مسجدها و مدرسه‌های علوم دینی در قالب‌های جدید و بی‌بدیل، جای ارزنده‌ای برای خود باز کرده، دارای اهمیتی فوق‌العاده گشت. شاید بهمین جهت بود که عده‌ای مقرنس‌کاری را یک روش اسلامی قلمداد کردند.

دورانهای اسلامی را می‌توان از دید هنری، بدسه دورهٔ اولیه اسلام (قرن ۱ تا ۵ ه. ق)، قرن پنجم و ششم هجری قمری و بعد از آن تا قرن چهاردهم هجری قمری تقسیم کرد.

### الف: مقرنس‌سازی در دوران اولیه اسلام (قرن ۱ تا ۵ ه. ق)

بطور کلی مقرنس یعنی هر چهار نوع مقرنس‌های تزئینی، در بیشتر بناهای این زمان بکار رفته، تنها مقرنس‌های لانه زنبوری، غیر از یک مورد که قبلاً ذکر شد، کمتر مورد استفاده بوده است و می‌توان چهار قرن اول هجری قمری را آغازی دیگر بر هنر مقرنس‌سازی دانست. از قرن پنجم و ششم هجری قمری به بعد نیز آثار بی‌شماری را که نشانگر تحول این هنر باشد در نقاط مختلف کشورمان داریم.

از نخستین نمونه‌های بارز چهار قرن آغاز اسلام می‌توان از مقبره شاه اسماعیل سامانی در بخارا را نام برد که گذشته از



عکس شماره ۴- صخره‌ای در نزدیکی سرپل ذهاب که به نام دخمه یا دکان داود نامیده می‌شود و اولین نمونه‌های مقرنس را نشان می‌دهد.

گودیهای مدور متناوب، دوم سه ردیف فرو رفتگی‌های خنجر شکل روی هم قرار گرفته، سوم قرنیزهای ساده، که از این نمونه‌ها در کاخ فیروزآباد فارس بسیار بکار رفته است.<sup>۱۰</sup>

### نقش مقرنس در آثار دوران اسلامی

با ظهور اسلام، هنر در سرزمین ایران جلوهٔ دیگری یافت و هنرهای این مرزوبوم در قالب مکتب اسلام تحولات چشمگیری را ایجاد کرد، تا جائیکه از این زمان به بعد هنرهای زیبا و بدیع با اسلام در آمیخت و نام هنرهای دوران اسلامی را بخود گرفت. هنر مقرنس‌سازی نیز همپای دیگر هنرهای این زمان سیر

این بنا دارای ستونهایی است که چند ردیف مقرنس در قسمت بالای آنها خودنمایی می‌کند، و نیز کاخ هترا در عراق که قرنیز در هلال‌ها و جرزهایش بطور عمودی و افقی بکار رفته است.<sup>۹</sup>

### نقش مقرنس در سالهای ۲۲۴ میلادی تا آغاز دورهٔ اسلامی

در دوران ساسانیان همپای دیگر هنرهای این زمان، مقرنس‌سازی فراوان در هنر معماری و نقوش برجسته این عهد خودنمایی دارد و بیشتر با گچ تزئین شده است. این عنصر با مشخصات زیر در بیشتر آثار برجسته معماری دوره ساسانی تجلی یافته است. نخست یک ردیف شیارها و

۸- ر. ک. به کتاب هنر ایران (ماد و هخامنشی)، تألیف گریشن، ترجمه دکتر عیسی بهنام.

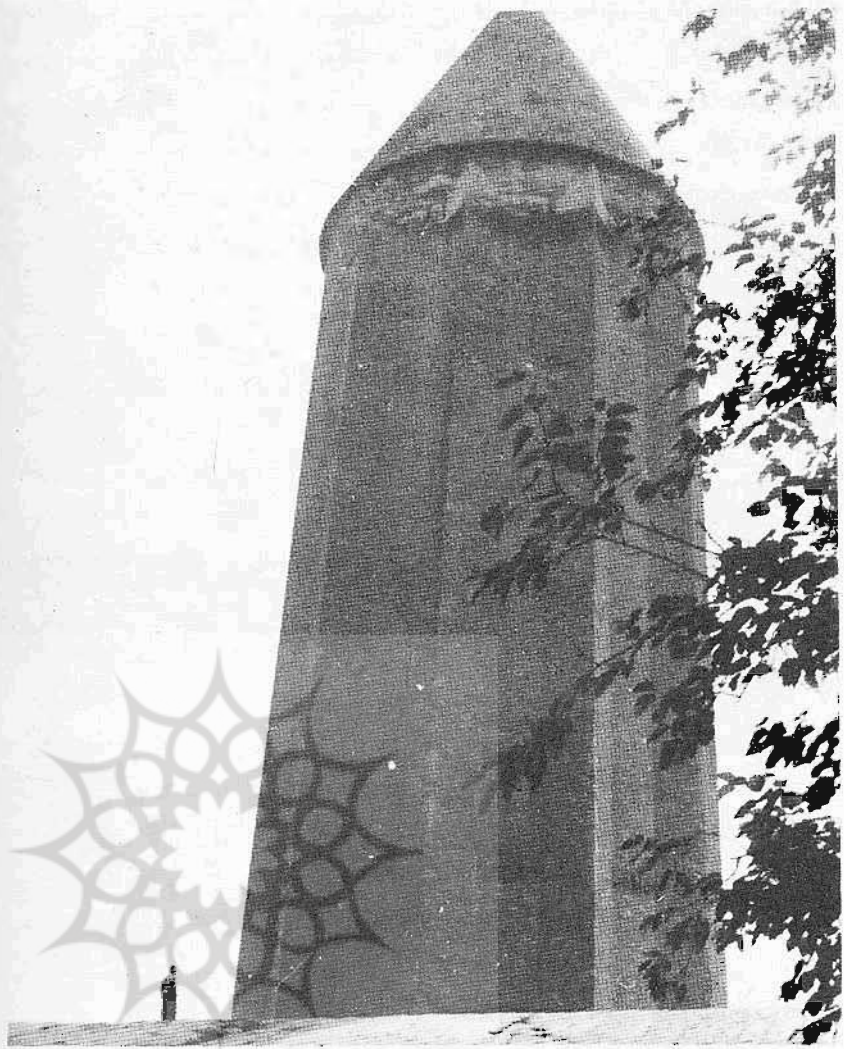
۹- ر. ک. به کتاب بررسی هنر ایران- تألیف پوپ جلد ۴ صفحه ۱۲۸

۱۰- ر. ک. به کتاب هنر ایران (پارت و ساسانی)- تألیف گریشن، ترجمه دکتر عیسی بهنام.

برج یا بقعه و نظائر آن ساخته می‌شدند، اکثر آثار معماری این زمان در نواحی خراسان قرار دارد. نشانگر معماری این عصر بناهایی است با گنبد مخروطی شکل شبیه به گنبد قابوس، برج زرگت (رسکت)، برج لاجیم، برج خرقان و مقبره‌های مخروطی شکل دروازه کاشان.

اما بعلاوه ارتباط این قوم با فراسوی مرزهای ایران، این سبک معماری در خارج از کشور گسترش یافت. وسعت خاک ایران زمین در آن زمان نیز موجب گردید که بیشترین آثار باقیمانده از آن دوران هم اکنون در ورای مرزهای امروزی جای داشته باشد. در این میان از مسجد بزرگ نورالدین در موصل عراق که در حال حاضر تنها رواق جنوبی مسجد بر جای مانده<sup>۱۱</sup> و قبر نورالدین در دمشق که کاملاً شبیه به مقبره بی‌بی‌زبیده است<sup>۱۲</sup> می‌توان نام برد، که این آثار، نمونه‌های باارزی از معماری عهد سلجوقی را می‌شناساند.

با توجه به فرم‌های معماری عهد سلجوقی می‌توان دریافت که تزئینات گچی، سنگی و چوبی سطح داخلی گنبد و نمای خارجی همه در قالب‌های مقرنس بکار می‌رفته است و مورد جالب توجهی که شایسته است بدان اشاره شود اینکه در این زمان فرم معماری ساختمان در درجه دوم اهمیت قرار داشته و تأکید معماران و مقرنس‌سازها بیشتر معطوف به تزئینات آن بناها می‌شده است، و حتی حکمرانان سلجوقی هم در ایجاد این گونه بناها در دید نخست به پوشش تزئینی روی آنها توجه بیش از اندازه‌ای نشان می‌دادند، برخی بناهای قدیمی شهر ری و ورامین و



عکس شماره ۵— مقبره قابوس بن وشمگیر مشهور به گنبد قابوس، در قسمت بالایی برج، زیر گنبد مخروطی می‌توان نمونه‌ای از مقرنس را دید.

مسجد جامع نائین از آثار اوایل قرن چهارم هجری است، همراه با گچبری‌های دقیق و ظریف و خطوط کوفی گلدار، در بعضی قسمت‌های این مسجد مانند گوشه‌های گنبد و بالای محراب از مقرنس‌های گچی روی هم بهره گرفته شده است.

**ب: مقرنس‌سازی در قرن پنجم و ششم هجری قمری**

در این دوران نخست بیشتر به معماری مقبره‌ها پرداخته شد، که به شکل

عناصر تزئینی مقرنس‌کاری، تزئینات آجری جالبی را در بردارد، و مقرنس‌ها بیشتر در گوشوارهای زیر گنبد بکار آمده است این مقبره از نمونه‌های اواخر قرن سوم هجری است.

مقبره قابوس بن وشمگیر مشهور به گنبد کاووس یا گنبد قابوس نیز یکی دیگر از استوارترین بناهای اسلامی این عهد است که گذشته از شیارهای زیبای ساقه و مخروط گنبد دارای مقرنس‌های بسیار جالب و ساده می‌باشد. (عکس شماره ۵)

۱۱ و ۱۲— ر.ک. به کتاب هنر اسلامی

— تألیف ارنست کونل، ترجمه هوشنگ طاهری صفحه ۷۸ و ۷۹.

سمنان و دامغان و مسیر جاده خراسان گواهی بر این گفتار دارند.

آشکارترین نمونه معماری عهد سلجوقی مسجد جامع اصفهان است که شاید بتوان آنرا از جمله بناهای جامع و مهم ایران عهد سلجوقی دانست و مجموعه‌ای است از عناصر و موضوع‌های گوناگون معماری و تزئینی، محراب گچبری و گنبد مقرنس کاری شده آن از شاهکارهای زمان وزارت خواجه نظام‌الملک می‌باشد. سقف ایوانهای این مسجد مقرنس‌های بی‌مانندی را به نمایش می‌گذارد. (عکس شماره ۶)

از دیگر آثار با ارزش که همگی با تزئین‌های مقرنس پوشش داده شده، می‌توان مسجد جامع اردستان، مسجد جامع گلیایگان، مسجد جامع زواره و مسجد حیدریه قزوین را که به سبک گنبد نظام-الملکی آرایش شده‌اند نام برد.

تزئینات مقرنس که به عنوان یک هنر ممتاز، در این گفتار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، در درازنای شش قرن از آغاز اسلام در معماری سرزمین ایران بکار گرفته

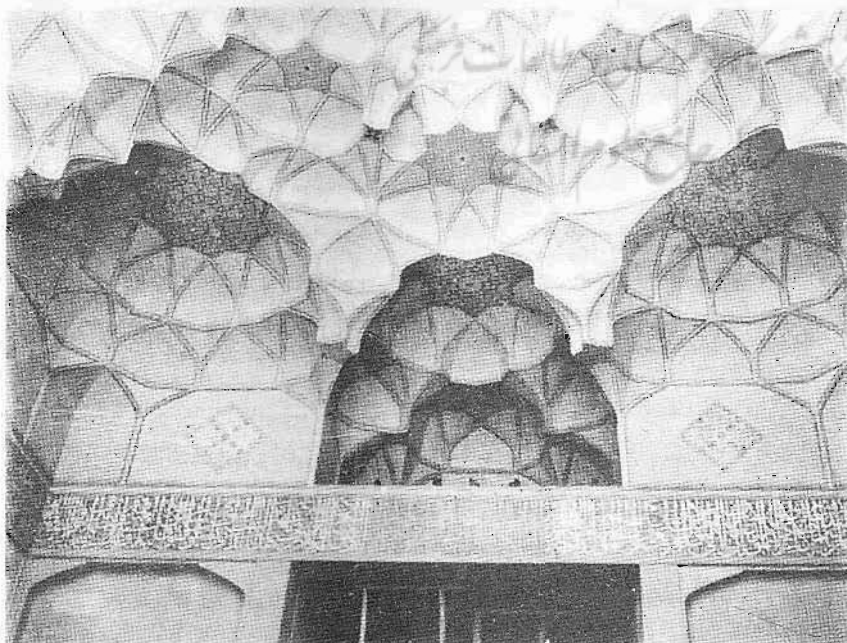
شد، و پس از گسترش فراوان در دوران سلجوقی به هنر مغول و تیموری راه جست و تا زمان صفویه و زندیه، در آخر تا عصر هنری قاجار امتداد یافت و در سیر سالها با مکتبهای مختلف هنری روبرو گشت و قرنیس‌های نقش دار را به شکل ساختمانها، نوع مصالح و اقسام گچبریها عرضه کرد. مقرنس توانست بر سایر هنرهای تزئینی و صنایع دستی اثر گذارده و موجب تکوین و گسترش انواع هنرها مانند فرش بافی، کاشی کاری، گچبری و غیره شود. چه بسا وجود طرحهای بسیار چشمگیر مقرنس در سردرها، درون گنبدها، داخل شبستانها و محرابها بود که موجب گسترش روز-افزون هنر کاشی‌سازی گردید و به هنگام ساختن منبرها و ستونهای چوبی داخل مساجد، منبت‌های زیبا با الهام از شکل-های مختلف مقرنس بر روی آنها نقش بست که نمونه‌های بی‌مانند این نوع کارهای روی چوب را می‌توان در مساجد عهد صفوی در سراغده، بناب، تبریز و خوی دید.<sup>۱۳</sup>

ج: هنر مقرنس‌سازی در قرن هفتم و هشتم

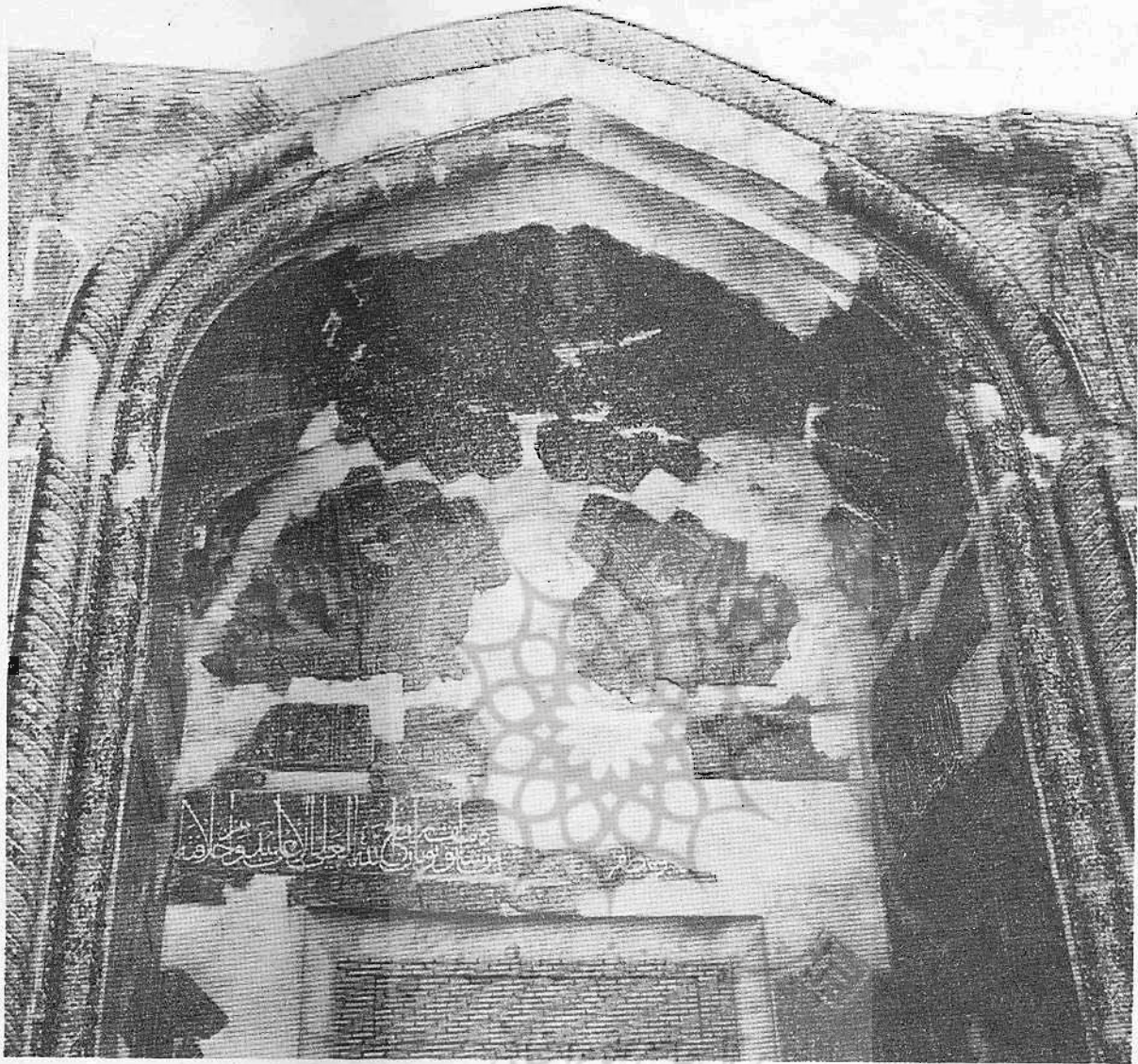
### هجری قمری

تاریخ هنری دوران سلجوقی نشانگر نوآوری‌های ارزنده‌ای در خلق آثار هنری در این عهد می‌باشد، که سرچشمه آثار ارزشمندی بوده‌اند و بی‌تردید توجه به آفرینش پدیده‌های هنری همانگونه که در سطرهای بالا گفته شد سبب گردید که گچبری و مقرنس کاری در عصر سلجوقی گسترش چشمگیری یابد، تا آن حد که به آن سوی مرزهای ایران کشانده شود و نیز در سالهای بعد از سلجوقیان در ایران همچنان به حیات و تکامل خود ادامه دهد، و شاید در نتیجه برتری چوبی و تحول و تکامل این هنر بود که از آن زمان به بعد کاربرد عنصر تزئینی مقرنس را در آثار معماری لازمه تکمیل بنا دانستند.

هنرمندان عصر مغول و تیموری تحت تأثیر سبکهای هنری پیشین به هر چه پربارتر کردن انواع هنرها پرداختند و بویژه در دوره تیموریان، که آثار بازمانده آن عهد، نشانگر قدرت خلاقه این هنرمندان می‌باشد، به کسب اعتبار بیشتری نائل



عکس شماره ۶- مقرنس کاری سقف ایوان شرقی مسجد جامع اصفهان



عکس شماره ۷- سردر ایوان ورودی مسجد کبود، در این تصویر به خوبی رابطه بین مقرنس و کاشیکاری به چشم می خورد.

شدند. نمونه های بسیاری از سبک مغول و تیموری را در بکارگیری مقرنس در ایران، می توان برشمرد:

مشهورترین اثر بازمانده از این دوران، گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان است که مقبره اولجایتو یا سلطان محمد خداپنده نامیده می شود، و در واقع مجموعه گویایی از انواع هنرهاست. این مقبره با ارتفاع بیش از حد گنبد و گوشوارها و مقرنس های جالب زیرگنبد و نیز نقاشی ها

و کاشیکاریهای بسیار زیبا و گچبریهای ارزنده اش، نمونه ای است پربها از شکل گرفتن هنر معماری و دیگر هنرهای این دوره.

ناگفته نماند، گسترش دین اسلام و روی آوردن مردم به این آئین حق و عدالت باعث شد تا هنرها نیز به جلوه گاهای تازه ای دست یابند، و چه بسا توجه خاص به معماری مساجد و مقابر و مدارس و دیگر بناهای عمومی از مقتضیات



دوران مغول بود.

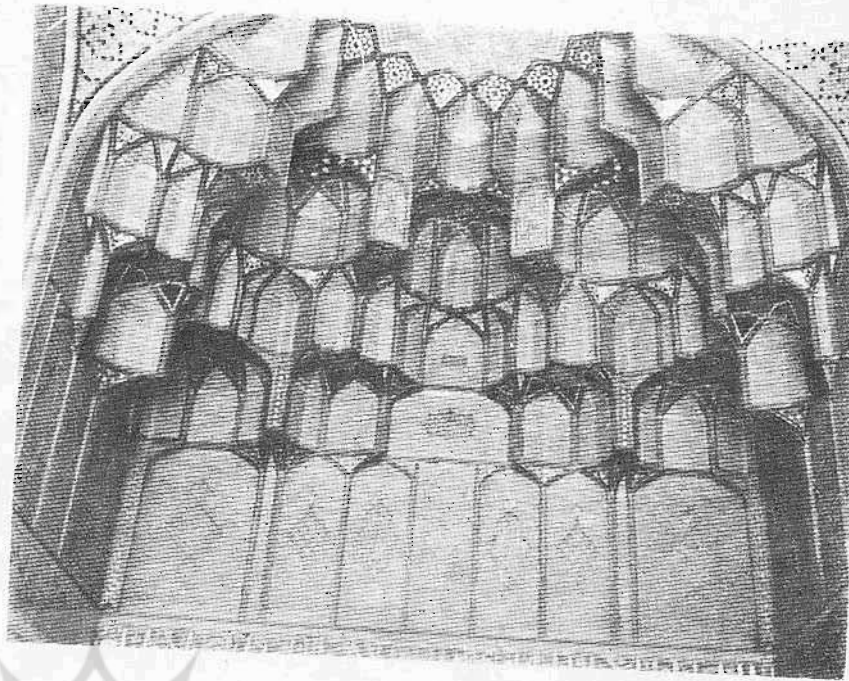
از دیگر آثار ارزنده مغولی آراسگاه خانوادگی به نام فاتح عالم واقع در شاهراه شاهزند-سمرقند است، «... این مقبره دارای یک برج با پایه هشت ضلعی و گردنی استوانه‌ای شکل است، برج آن خیمه مانند است و ترک‌های باشکوهی در آن ایجاد گردیده و دارای ایوان پیش آمده‌یی نیز هست، شکل مربع داخل بنا در نتیجه ایجاد طاق‌نماهایی که دارای برآمدگی مقرنس است بشکل صیب درآمده است.» ۱۴

در بنای مساجد دوران مغول و تیموری می‌توان تداوم هنر مقرنس را شاهد بود، بویژه در این زمان همراه با گسترش فضای مساجد با ایجاد شبستانها و تالارهای ستون‌دار، نیاز فراوانی نیز به تزئین‌های مقرنس مشاهده می‌شد و بخصوص به هنگام بنای ایوان مسجدها از پیش طرح تزئین‌های مقرنس را بر روی ایوان پیش‌بینی می‌کرده‌اند. مسجد گوهرشاد و مسجد جامع ورامین دو نمونه با ارزش از مقرنس کاری را بما ارائه می‌دهد و با کمی دقت می‌توان دریافت که هنگام با زدن سقف ایوان مقرنس کاری نیز در این بناها انجام شده است، و حال آنکه معماران و هنرمندان دوره صفویه پس از تکمیل بنا نسبت به وصل کردن مقرنس‌ها اقدام می‌کرده‌اند.

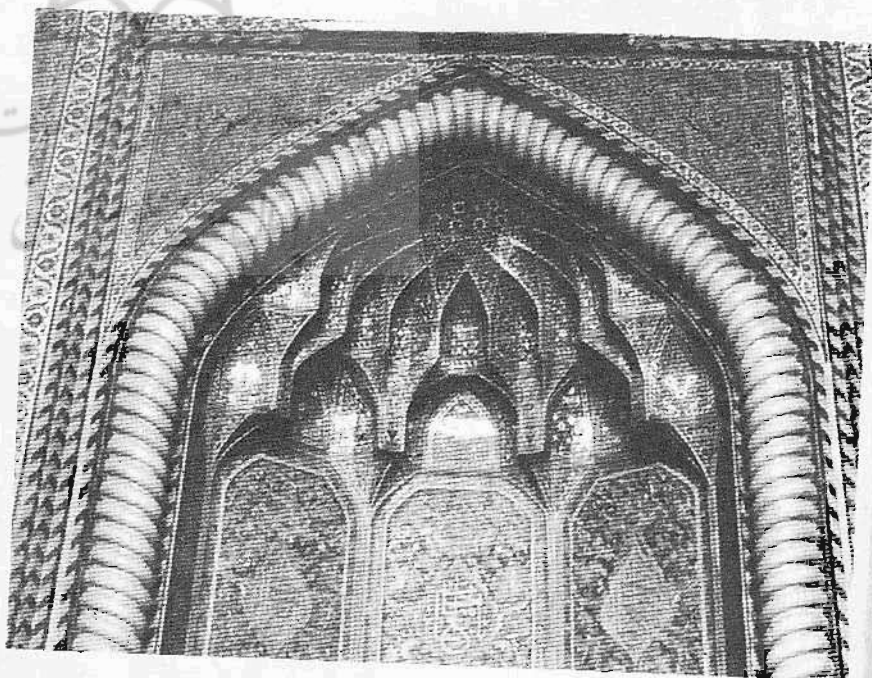
مدارس دوران مغول و تیموری نظیر مدرسه خرگرد یا غیایه در خراسان، با نقشه بسیار جالب و چهار ایوان سقف‌دار، که با هلال‌های بهم متصل ساخته می‌شده

۱۳- ر.ک. به گزارشات بررسی باستانشناسی آذربایجان سال ۵۵ اداره کل حفاظت آثار باستانی (نگارنده).

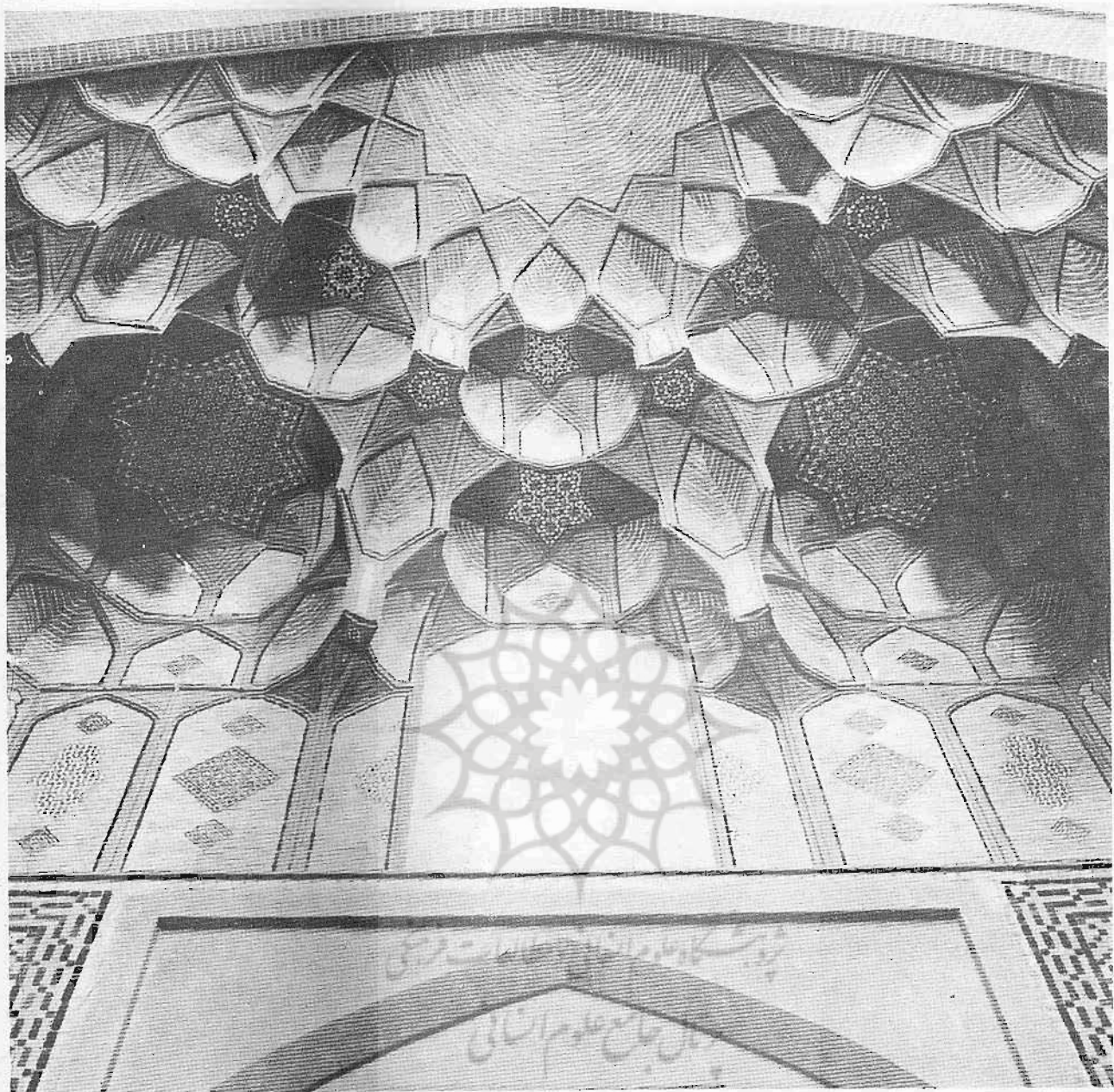
۱۴- ر.ک. به کتاب هنر اسلامی- تألیف دونالد ویلبر، ترجمه عبدالله فریار.



عکس شماره ۸- مقرنس کاری ایوان شمالی مدرسه نیم‌آورد اصفهان



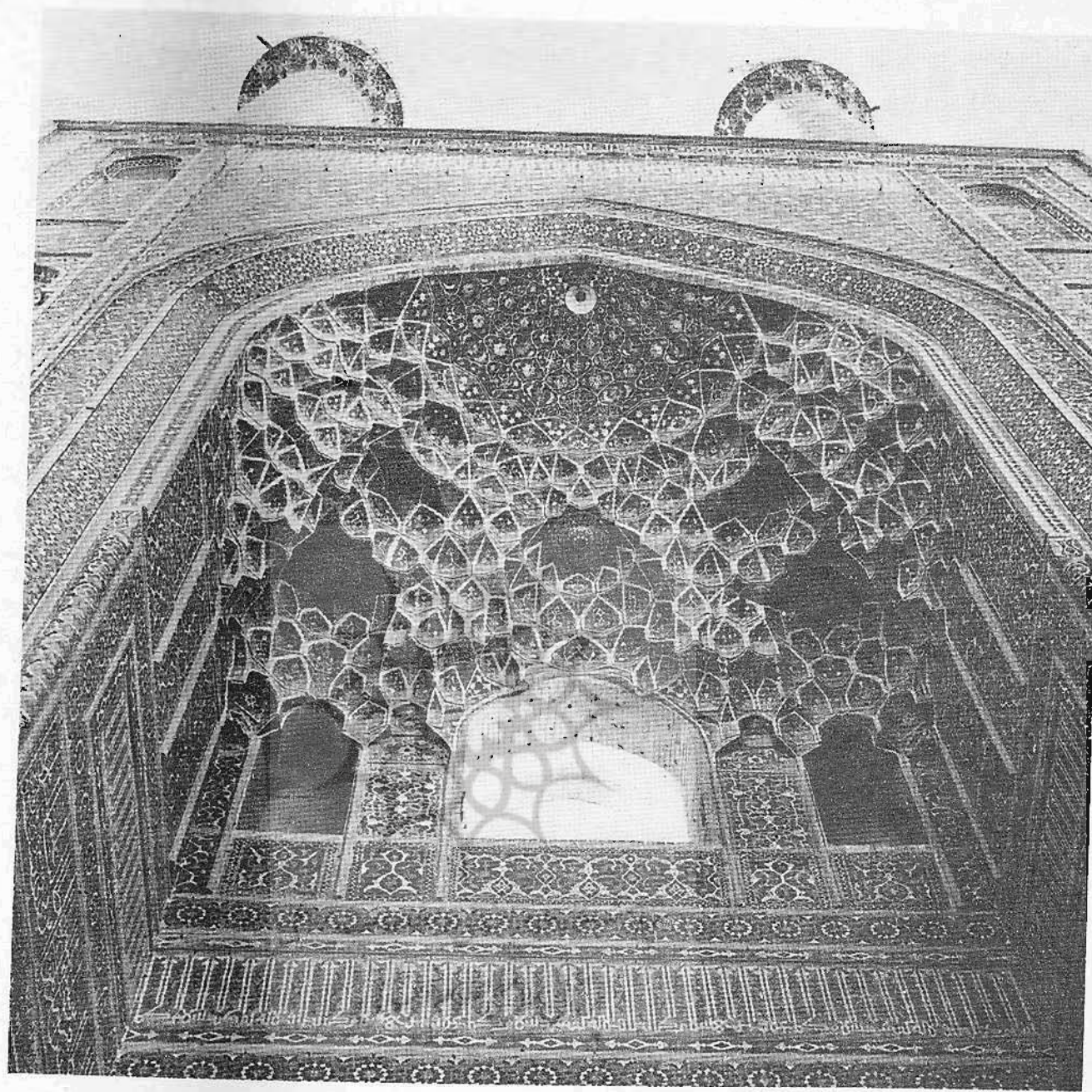
عکس شماره ۹- مقرنس کاری محراب مسجد سید اصفهان.



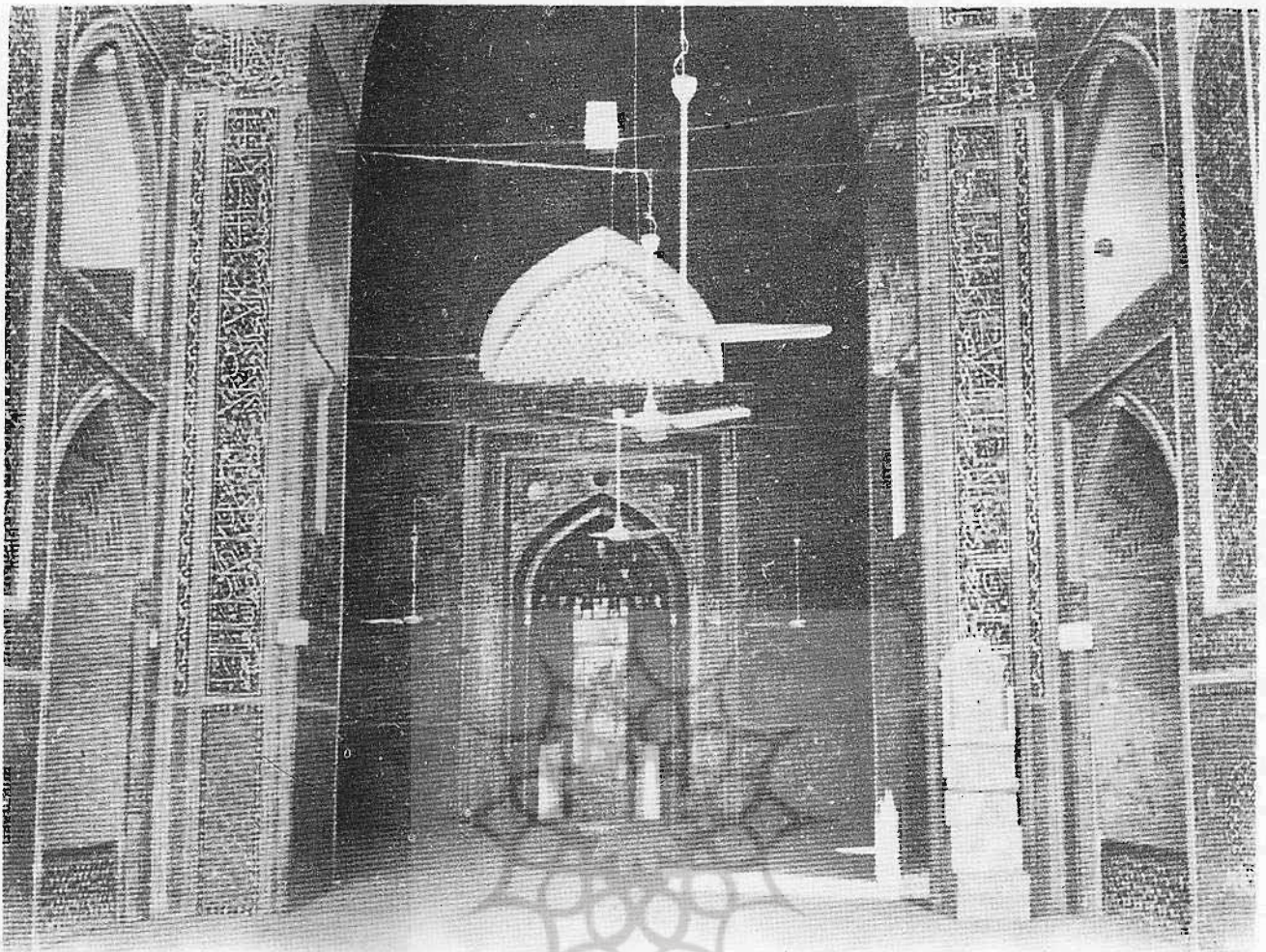
است، و در قسمت سقف از مقرنس‌های بسیار جالبی بهره می‌جستند. در بناهای این دوره تزئین‌های گچی در محراب‌ها و بطور کلی در بنای مقبره‌ها و مسجدها به فراوانی دیده می‌شود، و نیز هنر کاشیکاری مورد توجه قرار گرفت و بهمان شیوه سلجوقیان گسترش یافت، که نمونه‌های آن را در مسجد جامع اصفهان و مسجد کبود تبریز با رنگهای دلپذیر می‌شود دید. (عکس شماره ۷)

آنچه در این روش تزئینی بسیار اهمیت داشت، تأثیر طرحهای مقرنس در مدخل ایوان‌ها و محراب‌ها و غیره بوده (عکس شماره ۸)، که در آن زبان باعث شد در شبستان مسجد گوهرشاد نیز طاقی مقرنس برپا دارند. بکاربردن مصالح

است، و در قسمت سقف از مقرنس‌های بسیار جالبی بهره می‌جستند. در بناهای این دوره تزئین‌های گچی در محراب‌ها و بطور کلی در بنای مقبره‌ها و مسجدها به فراوانی دیده می‌شود، و نیز هنر کاشیکاری مورد توجه قرار گرفت و بهمان شیوه سلجوقیان گسترش یافت، که نمونه‌های آن را در مسجد جامع اصفهان و مسجد کبود



عکس شماره ۱۱ - سردر بسیار جالب مسجد جامع  
کبیر یزد که نمونه باارزشی از مقرنس و کاشیکاری  
را نشان می‌دهد.



عکس شماره ۱۲ - کاشیکاری ایوان و شبستان زیرگنبد و مقرنس محراب مسجد جامع یزد.

ساختمانی مختلف در قرنیز بالای درها و پنجره‌ها می‌توانست شکل فرو رفته زیبایی را به بیننده نشان دهد. معمولا در تقسیم بندی روی نمای بنا، از طاق نماهای مسطح بلند، با جاپنجره‌ای‌هایی که اغلب نوک دارند، و نیز ردیفی از مقرنس بهم پیوسته استفاده می‌شده است.

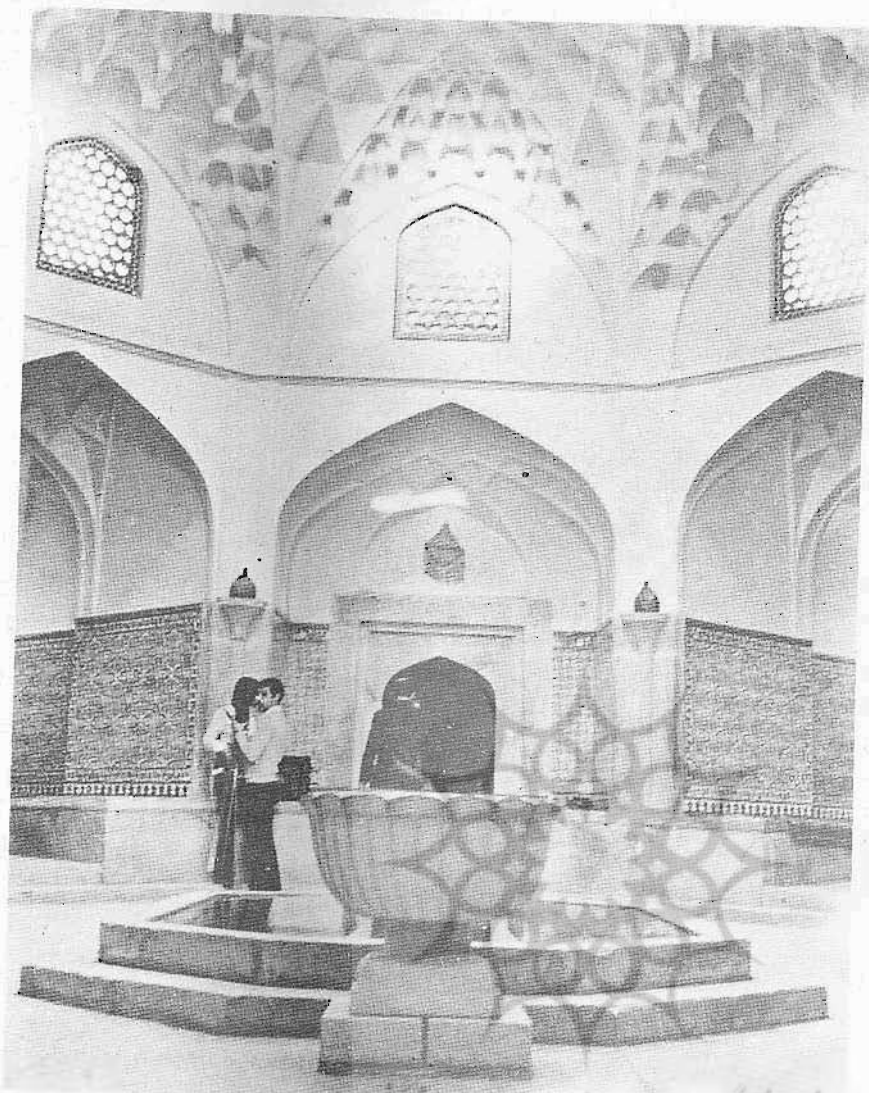
بی‌شک عصر صفوی دوران نوینی در عرضه داشتن هنرهای با ارج ایران زمین بشمار می‌آید، که دارای صلابت و یکپارچگی و مهارت و استادی منحصر به فردی است که در دوران پس از صفویه کمتر به چشم می‌خورد.

در این دوره برخی از سنت‌های هنری مغول به کنار رفت و در تلاشی آغارگر دست ساخته‌های نوی ارائه گردید. بویژه در زمان شاه‌عباس هنرهای این عهد بعد اعلای شکوفایی خود وصال یافت.

نخستین نشانه‌های مقرنس‌کاری در این عهد در بنای گنبددار مقبره شیخ- صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل متجلی گشت، که تفاوت با فرم‌های قبلی و بلکه

#### د: نقش مقرنس در قرن نهم و دهم هجری قمری

دوران هنری عهد صفویه، با آغازی پویا، شکوفا شد و در هر چه بهتر ارائه دادن انواع هنرها به دست هنرمندان، با برجای نهادن بناها و آثار و اشیاء هنری بی‌مانند دگرگونی‌هایی را موجب گردید.



به صورتی پیشرفته تر بکار گرفته شده است، این مقبره از یک مسجد ضریح دار و با سبک برجسته شروع می‌شود و پس از گذشتن از دو درگاه رواق دار به محل آرامگاه منتهی می‌شود. نمای خارجی این مقبره که از آجر ساخته شده، با کاشی فیروزه‌ای ساده و معرق تزئین شده است. درگاه مقبره بلند و دارای طاق هلالی است، که در سمت چپ آن حواشی مقرنس انتهایی افقی و ردیف‌های پنجره‌های هم سطح، تقسیم بندی‌های عمودی بنا را که با طرح‌های شبک تزئین گردیده، نشان می‌دهد، و از کف تا نیمه دیوارهای داخل درگاه با کاشی لعاب فیروزه‌ای آرایش شده است.

از دیگر آثاری که نشانگر تحول و گسترش عنصر تزئین مقرنس همراه با کاشیکاریهای با ارزش و بی‌مانند در دوران صفوی باشد، می‌توان از مقرنس‌های زیبای عمارت عالی‌قاپو، مسجد امام خمینی (شاه سابق) اصفهان، مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان یاد کنیم که در نوع خود از بهترین موتیف‌های مقرنس الهام گرفته شده است، و بخصوص مسجد امام خمینی بیشتر از نظر مقرنس‌های کاشیکاری شده در ایوان مدخل و نیز از نظر فضاهای وسیع و کاشی‌های رنگارنگ با نقوش گوناگون و بی‌نظیر صحن، ایوانها و همچنین گنبد و محراب، دارای اهمیت و اعتبار ویژه‌ای است. مسجد سید و مدرسه چهارباغ اصفهان را نیز نمونه‌هایی از مقرنس در داخل محراب و زیرگنبد و در ایوان بلند آراسته است. (عکسهای ۹ و ۱۰)

در مورد چگونگی قرار گرفتن و کار برد مقرنس‌ها، در دوران صفویه با سلجوقی تفاوت کلی وجود داشته است، یعنی این که هنرمندان مقرنس‌ساز عهد سلجوقی هماهنگ با بالا آمدن ساختمان جرزها و

دیوارهای جنبی بنا به هنگام گرنش یا قوس دادن آنها، مقرنس‌ها را با پس و پیش دادن آجرها می‌ساخته‌اند، تا جایی که در نوک از تعداد قریبها کم و پوشش مقرنس‌دار زیرگنبد یا طاق ایوان کامل شود. اما همچنانکه پیشتر اشاره شد، در زمان صفویان مقرنس‌ها را بر روی زمین قالب می‌ریختند و پس از تکمیل بنا و عمارت بوسیله بست‌هایی که زیر طاق از پیش تعبیه می‌شده است مقرنس‌های آماده را بزییر سقف متصل می‌کرده‌اند، و این کار از پائین به بالا صورت می‌گرفته است. امروز هم این نوع مقرنس‌کاری

عکس شماره ۱۳ - رخت کن حمام گنجعلیخان کرمان، در زیرگنبد نمونه‌هایی از مقرنس ساده دیده می‌شود.

در اصفهان و یزد و شیراز ادامه و رواج دارد، البته در هر کدام از این سه شهر فرم ساختن مقرنس فرق می‌کند، مثلاً در اصفهان با چوب مقرنس‌های آماده شده\* را در زیر طاق قرار می‌دهند، اما در یزد قالب‌های مقرنس را به‌رسی بسته و در زیر سقف به‌صورت آویزان محکم می‌کنند، و پس از آن فاصله بین مقرنس‌ها را با بندکشی پر می‌کنند و سپس برای تزئین بیشتر، روی مقرنس را با نقاشی یا کاشیکاری می‌پوشانند. برای نمونه مسجد جامع کبیر یزد را که دارای محراب و سردر مقرنس کاری جالب مزین به کاشی‌های زیبا است نام می‌بریم. (عکسهای شماره ۱۲ و ۱۱)

در صحن جنوبی بقعه شاه نعمت‌اله- ولی در ماهان کرمان، و نیز در قسمت پشت بنا و داخل رواقها مقرنس‌های کار هنرمندان عهد صفوی به‌چشم می‌خورد. همچنین حمام گنجعلیخان کرمان مقرنس- های ساده و با ارزشی را در خود جای داده است. (عکس شماره ۱۳)

از دوران صفویه به‌بعد هنر مقرنس- سازی تا حدی بدست فراموشی سپرده شد، ولی در دوره قاجار، هنرمندان نیم‌نگاهی به‌این هنر انداخته، و ضمن مورد توجه قرار دادن آثار با ارزش معماری دوران صفویه، سعی در برجای‌گذاردن آثاری با تزئین‌های مقرنس نمودند، و بهمین منظور جدا از بناهایی که خود ساختند، به مجموعه بناهای عصر صفوی دست برده برخی را بکلی ویران و به‌عضی صحن،

تالار و یا ایوانی را افزودند و با الهام از شیوه کاشیکاری و مقرنس‌سازی صفویان نسبت به تزئین بناهای جدید پرداختند. مقبره شاه‌نعمت‌اله ولی در ماهان کرمان یکی از همان بناهاست، که در انتهای بخش جنوبی پس از صحن شاه‌عباسی، صحن ناصری در زمان قاجار ساخته شده است. و همین‌طور در حرم مطهر حضرت معصومه (ع) که در زمان صفویه ساخته شد، بعدها هنرمندان قاجار سقاخانه و ایوانی در صحن کهنه با مقرنس کاری زرانوداد احداث کردند.

باری مطالعه آثار برجای مانده از گذشتگان چنین می‌نماید، که مقرنس کاری در دوران صفویه کم و بیش مورد توجه قرار گرفته بود، و بیشتر در مدخل ورودی و ایوانهای بلند، سردرها و برمناره‌های بلند جای می‌گرفته، حال آنکه در زیر گنبد‌های عهد صفوی هنر کاشیکاری بیشتر معمول بوده است.

گسترش صنعت کاشیکاری در زمان حکمروایی صفویان، و نیز پس از انحطاط آنان، موجب شد که هنر تزئینی مقرنس رفته رفته رو به‌زوال نهد، و آثار دوران زندیه و قاجاریه هم نشان می‌دهد که مقرنس‌سازی کمتر مورد توجه بوده و هیچ‌گونه پیشرفتی نداشته است، تنها هنرمندان و استادان معمار در برخی بناها شیوه ساده‌ای از مقرنس را بکار برده‌اند، تا جائیکه امروزه با توجه به‌زندگی ماشینی و ساختن بناهایی با اشکال ساده هندسی، آپارتمانی و پیش ساخته دیگر هیچ نشانی

از هنر گچ‌بری و مقرنس با سابقه چندین قرن آنها نمی‌یابیم.

### فهرست منابع و مآخذ

- ۱- «فرهنگ لغات عامیانه» - محمد علی جمال‌زاده، به کوشش محمد جعفر محجوب.
- ۲- «فرهنگ معین».
- ۳- «فرهنگ آندراج» محمد پادشاه، متخلص به‌شاد.
- ۴- مقاله «مقرنس‌های تزئینی» - عباس زمانی - مجله هنر و مردم شماره ۱۰۲ و ۱۰۳.
- ۵- مقاله «پیچ تزئینی» - عباس زمانی - مجله هنر و مردم شماره ۱۰۶.
- ۶- «هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی» - رومان گریشمن، ترجمه عیسی بهنام.
- ۷- «هنر ایران در دوران پارت و ساسانی» - رومان گریشمن، ترجمه عیسی بهنام.
- ۸- «هنر اسلامی» - ارنست کونل - ترجمه هوشنگ طاهری.
- ۹- «هنر ایران» - آندره گدار، ترجمه بهروز حبیبی.
- ۱۰- «هنر اسلامی» - دونالد ویلبر، ترجمه عبدالله فریار.

11. A. V. Pope, «A Survey of Persian Art V. 1»

12. Grand Larousse Encyclopédique

